



یک سال پس از ارزیابی اول گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



توضیح

از انتشار برنامه‌ی علی ربیعی، وزیر کار دولت روحانی، بیش از یک سال می‌گذرد. گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از انتشار برنامه‌ی مذکور، در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۳، در نوشته‌ای زیر نام «نگاهی به برنامه‌ی کار علی ربیعی» ارزیابی تفصیلی خود را از این برنامه ارائه داد. در آن نوشته به فشرده‌گی آمده است:

"... برنامه‌ی علی ربیعی علاوه بر این که فاقد هدف‌گذاری مشخص، زمان‌بندی و ابزار پیش‌برد است، از دادن پاسخ صریح به بخش‌های مهمی از مطالبات کارگران، مانند افزایش مناسب دستمزد، تکلیف حذف کارگران کارگاه‌های دارای تا ۱۰ کارگر از شمول قانون کار، حق تشکل، حق اعتصاب، حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی، لغو قراردادهای موقت کار در مشاغلی که ماهیت مستمر و دائم دارند، بی‌قانونی حاکم بر شرکت‌های پیمانکاری، تبعیض جنسیتی، پوشش قانون کار و تأمین اجتماعی برای همه‌ی کارگران، کنار نهادن قانون قرون وسطایی "استاد- شاگردی" خودداری کرده است. این‌ها همه با وعده‌ی قانون‌گرایی وزیر در برنامه‌اش در مغایرت قرار دارند.

افزون بر این، به رغم وعده‌هایی که دولت در برنامه‌ی وزیر کار به کارگران داده است، تعدادی از کارگرانی که به دلیل فعالیت‌های

صنغی زندانی شده‌اند، همچنان در زندان نگاه داشته می‌شوند. این واقعیت، مادام که جاری است، در مورد نیت طراحان برنامه تردید ایجاد می‌کند. ما درعین حمایت از کلیه مطالبات برحق کارگران، عقب‌نشینی دولت از پاره‌ای سیاست‌های دولت پیشین را ناکافی می‌دانیم و خواهان ابهام‌زدایی از وعده‌های وزیر کار به کارگران، اجرای وعده‌های داده شده و مقدمنا آزادی بی‌درنگ فعالان کارگری از زندان و رفع موانع فعالیت سندیکاهای کارگری توسط دولت هستیم..."

اکنون، یک سال پس از ارائه‌ی آن ارزیابی و به دستاویز یکمین سال انتشار بواتن کارگری، مناسب دیدیم مروری بر کارکرد وزارت کار و دولت روحانی در ارتباط مستقیم با امور کاروکارگری، در این مدت داشته باشیم. این مرور شامل عرصه‌های زیر می‌شود و ناظر بر اصلی‌ترین رئوس هر عرصه است:

- زنان کارگر
- تشکل‌های کارگری
- اعتراضات کارگری
- سازمان تأمین اجتماعی
- کودکان کار
- حوادث کار
- یارانه‌ها



زنان کارگر

در حوزه زنان کارگر، دولت تدبیر و امید نتوانست چنان تدبیری بیانیشد که حافظ منافع زنان کارگر و راه‌گشای مشکلات اساسی آنان باشد. زنان کارگر کارگاه‌های تولیدی از ابتدایی‌ترین حقوق و حق بیمه محروم‌اند، در هراس و نگرانی از اخراج، از ساعت شیردهی و مرخصی زایمان استفاده نمی‌کنند. شرایط نامناسبی در بخش‌های صنعتی و کشاورزی به آنان تحمیل می‌شود و کارفرما هر زمان تصمیم به اخراج نیروی کار بگیرد، زنان در الویت قراردارند.

در بخش خدماتی، مانند منشی‌ها و کارگران مطب‌ها، حداقل حقوق به زنان پرداخت می‌شود؛ بی‌آنکه حق بیمه‌ای هم به آنان تعلق گیرد. در این مدت زنان کارگر قهوه‌خانه‌ها و مشاغل نظیر، از طرف نیروی انتظامی از حق کار در این اماکن محروم شدند.

بی‌ثباتی اقتصادی، تورم و بیکاری به طور کلی کارگران و خاصه زنان کارگر را در معرض تهدیدهای اقتصادی حاد قرار داده و قدرت خرید آنان را فوق‌العاده پایین آورده است. وضعیت زنان کارگر در کارگاه‌های تولیدی زیر ۱۰ نفر که قانون کار شامل آنها نمی‌شود، نیز بسیار اسفناک و وخیم است. مرگ دو زن کارگر در تولیدی پوشاک ناصر خسرو و عدم پذیرش بیمه‌ای یکی از آنان از طرف شرکت بیمه گواه این وضعیت است.

نرخ بیکاری و اخراج زنان کارگر دو برابر مردان بوده است و هست. حقوق آنان در مواردی کمتر از نصف حقوق مردان است. امنیت شغلی زنان کارگر بسیار شکننده و نرخ مشارکت اقتصادی آنان طبق آمار ۶/۱۲ درصد است. نرخ مشارکت مردان ۶۷ درصد است، و این نشان‌گر یک تبعیض جنسیتی بارز است.

پروژه‌ی ادغام تأمین اجتماعی در وزارت بهداشت یکی دیگر از موارد مطرح شده در این مدت است. این پروژه نیز به ضرر کارگران، اعم از زن و مرد است. تشکیلات کارگری زنان (اتحادیه‌ی سراسری زنان کارگر) می‌بایستی در این مورد گام‌هایی جدی برای رفاه زنان کارگر بردارد.

مرور فوق نشان می‌دهد که دولت روحانی و وزارت کار نقش راهبردی و نظارت‌گره‌گشایی بر بخش کارگری نداشته است. این در حالی است که اقدامات کاملاً قابل‌تحقیقی مثل ایجاد تشکلهای صنفی و اجرای قوانین نیم‌بند فعلی قانون کار، قرار گرفتن کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر تحت پوشش قانون کار و اجرای مواد ۷۵ تا ۷۸ قانون کار، که مشخصاً به حقوق زنان کارگر برمی‌گردند، می‌توانستند گام‌های کوچکی در این راستا باشند.

تشکلهای کارگری

از همان آغاز شروع به کار دولت، رویه‌ای خلاف قانون و وعده‌های داده شده پیش برده شد. رفتار وزارت کار نشان

می‌دهد که دولت و وزارت کار اعتقادی به قوانین و وعده‌های‌شان ندارند.

در مدت زمامداری وزیر کار دولت روحانی، موانع دولت‌های پیشین بر سر راه فعالیت‌های سندیکایی کارگران، به جای این که برطرف شوند، بیشتر شدند. بازداشت فعالین صنفی به شدت افزایش یافت. تشکلهای دولتی توسط وزارت کار در جهت هماهنگ شدن هر چه بیشتر با سیاست‌های دولت و پیشبرد آنها تجدید سازمان‌دهی شدند. مسئولیت‌های پیش‌بینی شده در قانون کار برای نمایندگان کارگران به سرسپرده‌ترین عناصر سابقه‌دار وابسته به حکومت سپرده شدند. دخالت وزارت کار حتی در تشکلهای دولتی بیشتر از گذشته شد.

مقصود از این اقدامات و سیاست‌ها که موازی با سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی دولت پیش برده می‌شوند، تثبیت بی‌حقوقی کامل کارگران است که طی یک فرایند تدریجی ۲۵ ساله، با حذف بخش‌های مثبت قانون کار و سرکوب مداوم سازمان‌های کارگری، و با همکاری تشکلهای کارگری وابسته به حکومت پیش برده شده است. پیشبرد این فرایند بدون سرکوب سازمان‌های مستقل کارگری و همکاری تشکلهای سرسپرده‌ی حکومتی ناممکن بود. امروزه نقش تشکلهای کارگری حکومتی دیگر به سر آمده، و تقلا برای سازمان‌یابی مستقلانه در میان کارگران بالا گرفته، تمایل به استقلال در میان تشکلهای نیمه مستقل به خاطر تجربیات و تحت تاثیر رشد عمومی جنبش مبارزاتی مزدگیران، به سرعت در حال افزایش است و اختلاف در میان سرکردگان تشکلهای حکومتی فزونی گرفته و آنها را شقه‌شقه کرده است. وزیر کار نگران آن است که تکوین این عوامل هرچه را که حکومت طی بیش از سه دهه رشته است، پنبه کند. در وضعیتی که دیگر حتی بسیاری از عناصر دست‌پرورده‌ی ربیعی در تشکلهای حکومتی، بی‌چک‌وچانه تن به بازی او نمی‌دهند، او مجبور است آن‌هایی را به همکاری برگزیند که هنوز، چنان که در تصمیمات شورای عالی کار نشان دادند، از او بی‌چون و چرا اطاعت می‌کنند. تلاش وزیر کار برای جلب تشکلات نیمه مستقل، برای پرکردن خلعی است، که به خاطر بی‌اعتبار شدن تشکلهای وابسته به وجود آمده است. تثبیت فرایند محروم کردن کارگران از حقوق سندیکایی‌شان و خنثی کردن اعتراضات فزاینده‌ی کارگری علیه سیاست‌های نقولبیرالی دولت و جلوگیری از سازمان‌یابی مستقلانه‌ی کارگری، بدون چنین امکاناتی، آن‌هم با سطح رشد کنونی جنبش کارگری ممکن نیست.

به طور کلی سیاست وزارت کار در زمان ربیعی در زمینه‌ی تشکلهای کارگری، بر سه اصل استوار گردیده است:

۱- اتکا به تشکلهای دولتی سرسپرده و تقویت آنها

۲- تلاش برای دولتی کردن و به خدمت گرفتن



سرکوب‌گر با توجه به شرایط اقتصادی سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران در مقابل سیل عظیم اعتراض‌های کارگری که برگرفته از شرایط موجوداند، در موضع دفاعی قرار گرفته و در ابعاد مختلف سعی در رفع معضلات پیش آمده دارند.

اکنون اعتصاب‌های کارگری دیگر منوط به کارخانه و حاشیه‌ی آن نیست. بلافاصله تجمع‌های کارگری، از سوی کارگران در مقابل نهادهای حکومتی و مجلس هم صورت می‌گیرد و فعالان کارگری اقدام به رایزنی در سطح مسئولان استان، ارتباط با نمایندگان مجلس، رسان‌های کردن مطالبات و... می‌کنند.

در بعضی از مناطق مانند بافق، کارگران مطالبه‌ی خود را حتی با وجود نبود تشکل کارگری، با منافع مردم منطقه پیوند می‌زنند و مردم همراه با کارگران، دولت را مجبور به عقب‌نشینی و پس گرفتن سیاست خصوصی‌سازی در آن منطقه می‌کنند، محتوی و نتیجه‌ای که برای کارگران معدن بافق حاصل شد، می‌تواند برای همه‌ی کارگران ایران الگویی مناسب و راهبردی عملی به حساب آید.

سازمان تأمین اجتماعی

عملکرد یک ساله‌ی سازمان تأمین اجتماعی برگرفته از سیاستی است که تلاش دارد همه‌ی مسئولیت و توزیع خدمات مناسب به کارگران را از خود سلب کند و مدیریت آن را به بخش خصوصی واگذارد. تبصره‌ی ۵ از ماده‌ی ۳۴ اصلاحیه‌ی قانون خصوصی‌سازی مراکز درمانی‌ای که تحت مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی است، سازمان تأمین اجتماعی را موظف می‌کند که مراکز درمانی زیر مسئولیت خود را با حفظ اصل مالکیت و نظارت به بخش غیر دولتی بسپارد.

چپاول اموال کارگران و زحمت‌کشان در دولت نهم و دهم در سطحی وسیع در سازمان تأمین اجتماعی صورت گرفت. در این دوره هم علی‌ریعی با بهره‌بردن از «اندیشکده» ها و در راستای سیاست‌های دولت روحانی و دیگر نهادهای حکومتی، سعی به دادن ظاهری «قانونی» به تمامی این چپاول‌ها دارد.

قانون‌گریزی مدیران سازمان تأمین اجتماعی از دیگر وجوه عمل‌کرد آنها است، تا آنجا که عدم اجرای قوانین تأمین اجتماعی، از جمله ماده‌ی ۳ آن دایر بر «الزام درمان» کامل توسط سازمان تأمین اجتماعی، منجر به تحمیل بیمه‌ی تکمیلی توسط بخش خصوصی بر مستمری‌بگیران می‌شود. افزایش صددرصدی هزینه‌ی بیمه‌ی تکمیلی، اکثریت قابل توجهی از بازنشستگان کم‌درآمد را ملزم به پرداخت بیمه‌ی مکمل خود و خانواده‌های‌شان کرده است.

با تغییر اعضای کانون شورای عالی کار و شوراهای اسلامی، این دو ارگان به اولین پایگاه ضدیت با بازنشستگان و کارگران، و به عامل حمایت از سیاست و روش مدیریت سازمان تأمین اجتماعی تبدیل شدند. از جمله حذف حق بیمه‌ی بُن کارگری که با رأی شورای عالی کار به تصویب رسید.

انجمن‌های صنفی نیمه مستقل، جلوگیری از شکل‌گیری سندیکاها و دیگر نهادهای مستقل و غیر دولتی

۳- عدم به رسمیت شناختن سندیکاها و انجمن‌های مستقل موجود و سرکوب تلاش‌هایی که برای ایجاد تشکل‌های مستقل صورت می‌گیرد.

با این وصف، در نیم‌سال گذشته تلاش برای سازمان‌دهی تشکل‌های مستقل و هم‌بستگی، به نحو بارزی در میان کارگران و مزدبگیران افزایش داشته و دفاع از تشکل‌های مستقل و سازمان‌گران اعتصابات و اعتراضات کارگری به صورت کم‌سابقه‌ای شیوع یافته است. گرایش به استقلال در میان انجمن‌های صنفی نیمه مستقل تقویت گردیده است.

تداوم روند کنونی زمینه‌ی تشکیل سندیکاها و تشکل‌های مستقل کارگری و انزوای فزاینده‌ی تشکل‌های فرمایشی وابسته را بیش از پیش فراهم می‌کند. از همین رو ما کارگران و سایر مزدبگیران را دعوت به تداوم و گسترش اعتراضات، سازمان‌دهی تشکل‌های سندیکایی، حمایت از سازمان‌گران اعتصابات و نهادهای سندیکایی مستقل، تشدید مبارزه علیه بازداشت فعالان و کارگران حق‌طلب و هم‌بستگی و حمایت از اعتصابات و مطالبات یک‌دیگر با استفاده از همه‌ی امکانات می‌کنیم. ما تشکیل اتحادیه‌های کارگری مستقل و نیرومند را شرط نخست دست یافتن کارگران و مزدبگیران به مطالبات‌شان و احیا و ارتقاء حقوق کار و دست‌آوردهای مبارزاتی گذشته، حال و آینده‌ی جنبش کارگری می‌دانیم.

اعتراضات کارگری

درصد صنایع در صنعت ایران صنایع پایین دستی‌اند. به گفته‌ی مسئولان دولتی و فعالان کارگری و کارفرمایی در حال حاضر ۵۰ درصد واحدهای تولیدی یا تعطیل یا به صورت نیمه تعطیل‌اند، ۷۰ درصد واحدهای تولیدی در بحران قرار دارند و اکثریت شهرک‌های صنعتی ایران در حالت نیمه تعطیل رها شده است.

می‌توان گفت همه‌ی واحدهای تولیدی با نبود نقدینگی روبه‌رواند و از چنین بستری اعتصاب‌های کارگری قد بر افراشته‌اند.

دیگر امید به آینده‌ای بهتر برای کارگران متصور نیست، آنها تنها دستمزد خود را می‌خواهند که در بسیاری از صنایع چنین مطالبه‌ای هم به راحتی امکان‌پذیر نیست.

در طول یک سال گذشته اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری در ابعاد کمی و کیفی رشد بی‌سابقه‌ای داشتند.

در گذشته بخش بسیاری از اعتصاب‌ها در واحدهای تولیدی در خود کارخانه صورت می‌گرفت و یا نهایتاً جاده‌ی حاشیه‌ی کارخانه توسط کارگران اشغال می‌شد و نیروهای سرکوب‌گر به پشتوانه‌ی حمایت شوراهای اسلامی کار به راحتی به شناسایی کارگران فعال در اعتصاب اقدام می‌کردند. از این رو، آنها می‌توانستند اعتصاب را مهار کنند. امروز نیروهای



کودکان کار

دولت وقت ایران در سال ۱۳۵۲ پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک را امضا کرد. تا آن زمان در سنت و فرهنگ ایرانی کار کودکان امری طبیعی محسوب می‌شد. دولت ایران با امضای این کنوانسیون، کار کودکان را به عنوان یک معضل اجتماعی به رسمیت شناخت. هرچند در عمل تاکنون هیچ‌یک از دولت‌هایی که بعد از امضای این پیمان‌نامه بر سر کار آمده‌اند، به جد کوششی برای تحقق تعهد خود انجام نداده‌اند، ولی نفس به رسمیت شناختن کار کودکان به عنوان معضل اجتماعی، قدم بزرگی در راه فرهنگ‌سازی لازم و اعلام وظیفه و تعهد دولت برای رفع این معضل اجتماعی محسوب می‌شود.

اگر علت اصلی و نه فقط تنها علت اجبار به کار کودکان را فقر خانواده بدانیم، دولت آقای روحانی کوچک‌ترین اقدامی در راستای فقرزدایی از جامعه انجام نداده است. سید حسن هاشمی، وزیر بهداشت با حضور در خانه‌ی درمانی کودکان کار، افزایش کودکان کار در چنین ابعادی را حاصل تصمیمات نادرست دودهمی اخیر همه‌ی متولیان دستگاه دولت می‌داند و برای کاهش ابعاد این درد جامعه، ان.جی.اوها (N.G.O.) و انجمن‌های خیریه را تشویق به مشارکت می‌نماید. وی ضمن پذیرش عدم اعتماد ارگان‌های مردم‌نهاد به دولت به علت سابقه‌ی اذیت و آزاری که طی زمان طولانی همواره از دولت‌مردان دیده‌اند، می‌گوید: "ما آمادگی داریم که در مورد فضا، امکانات و نیروی تخصصی در صورت علاقه‌مندی خیرین و به عنوان یک شهروند ایرانی این مجموعه‌ها را در اختیارشان قرار دهیم". مشارکت ان.جی.اوها البته مستلزم رفع موانع سنگین‌تری از پیش روی فعالیت آن‌هاست. به علاوه مشکل اصلی حاکمان کشور ما نگاه سنتی به حقوق کودک است. در جوامع پیشرفته حفظ و نظارت بر تمامی حقوق کودک از وظایف نظام حاکم است.

با این حال، وزیر نامبرده بدون حاشیه‌پردازی معمول دولت‌مردان اسلامی و بی‌آنکه کودکان کار در ایران را افغان یا پاکستانی بنامد و شانه از زیر مسئولیت خالی کند، می‌گوید که از ارقام واقعی کودکان کار اطلاع دقیقی ندارد و اضافه می‌کند که در وهله‌ی اول باید نسبت به شناسایی این کودکان کار اقدام کرد. هرچند تا این‌جا هیچ کاری در جهت حل این معضل اجتماعی صورت نگرفته ولی همین اندازه از صداقت و واقع‌بینی از یک وزیر در دولت جمهوری اسلامی، جای ارج‌گذاری دارد.

حوادث کار

طی یک سال گذشته کارگران هم‌چنان قربانیان اصلی فاجعه‌ی خاموش حوادث کار بودند. آمار منتشره نشان از افزایش شمار قربانیان این حوادث دارد. سال گذشته یک هزار و ۹۹۴ تن در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند. این رقم در مقایسه با سال قبل، که تعداد تلفات

این تصمیم به زیان کارگران و مستمری‌بگیران بازنشسته است. پیشنهاد «اصلاحی» این دو ارگان در طرح جدید ماده‌ی ۵ بیمه‌ی کارگران ساختمانی به مجلس، شامل افزایش سن و سابقه‌ی بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور نیز هست. تبصره‌ی ۲ از ماده‌ی ۳۶ اصلاحیه‌ی سازمان تأمین اجتماعی، به مرور سن بازنشستگی را تا پنج سال افزایش داده است. این اصلاحیه فاقد «مبنای» تعیین سن امید به زندگی است. سازمان تأمین اجتماعی قصد دارد سن بازنشستگی را تعیین کند و بر اساس آن نسبت به سخت‌تر شدن شرایط بازنشستگی اقدام کند. سخت‌تر شدن شرایط بازنشستگی به معنای بیشترین پرداخت به عنوان حق بیمه و کمترین مستمری به افراد شده است.

برخی دیگر از تصمیمات خلاف منافع کارگران عبارت‌اند از: نقض قانون سهمیه‌بندی کارگران ساختمانی طبق تبصره ۱ ماده‌ی ۳ بیمه‌های اجتماعی، طرح پیشنهادی واگذاری بخش درمان تأمین اجتماعی از وزارت کار به وزارت بهداشت که با مخالفت جامعه کارگری روبرو گردید، و واگذاری اختیارات معینی به دولت در خصوص پرداخت یا عدم پرداخت سهم سه درصدی حق بیمه‌ی دولتی به سازمان تأمین اجتماعی.

کارکرد یک سال گذشته حفره‌های بسیاری دارد: افزایش مستمری متناسب با میزان تورم به بازنشستگان طبق ماده‌ی ۹۲ قانون تأمین اجتماعی نشد، درآمدهای شرکت‌های اقتصادی «شستا» (شرکت‌های سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) برای بازنشستگان مورد استفاده قرار نگرفت، سازمان تأمین اجتماعی مسئولیت وصول چهار درصد حق بیمه‌ی ایام اشتغال در کارهای سخت و زیان‌آور را به صورت غیرقانونی به کارگران پیمانکاری مشمول واگذار کرد، برای احیای ارزش دفترچه‌های بیمه‌های اجتماعی زمان تعیین نشده است، افزایش هزینه‌های درمان کارگران شاغل در مناطق آلوده (منطقه‌ی خوزستان) به دلیل آلاینده بودن واحدهای پالایش نفت و گاز را خود کارگران پرداخت می‌کنند، سازمان تأمین اجتماعی بدهکاری خود را که برابر با صدها میلیارد تومان است از دولت نگرفته است، سازمان تأمین اجتماعی به دلیل تأمین نشدن منابع مالی‌اش نتوانسته حتی یک کارگر ساختمانی را در سال ۱۳۹۳ بیمه کند، نمایندگان مستقل کارگری هم‌چنان از حضور مؤثر در شورای عالی کار محرومند، ...

با توجه به این حفره‌ها و سئوالات بی‌جواب دیگر، می‌توان این ارزیابی را داشت که سازمان تأمین اجتماعی با عدم رسیدگی به وضعیت معیشتی کارگران، کاهش تعهدات بیمه‌ای و درمانی، تغییر در سن و سابقه‌ی بازنشستگی در مشاغل عادی، سخت و زیان‌آور، خصوصی‌سازی در مراکز درمانی از طریق واگذاری مدیریت این مراکز، نقض قوانین و قانون‌گریزی، عمل‌کردی تنها در راستای منافع کارفرمایان و به زیان کارگران داشته است.



مرحله‌ی نخست این طرح، نه تنها بخش‌های وسیعی از مردم بلکه دولت روحانی را نیز نسبت به امکان ادامه‌ی ساده و بی‌تغییر آن ناباور کرده بود. اما چندان نپایید تا روشن شود که موضع انتقادی دولت روحانی نسبت به مرحله‌ی نخست، صرفاً از زاویه‌ی اجرای آن بوده است. تمایزات این مرحله از قانون «هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها» با مرحله‌ی نخست آن:

۱- حذف ناموفق یارانه‌ی بالاترین دهک‌های جامعه،

۲- آزاد کردن قیمت‌ها با شیب کمتر،

۳- اختصاص برخی کالاها به صورت غیرنقدی به تهیدستان و گروه‌های آسیب‌پذیر،

۴- اختصاص مبالغی برای بیمه‌های درمانی و همگانی

اعلام شده‌اند.

این‌ها همه مبین تمایزاتی فرعی با مرحله‌ی نخست‌اند. ما در این‌جا، بدون نادیده گذاشتن این تمایزات فرعی و آثار آن‌ها، ضرور می‌دانیم بر جوهر قانون «هدف‌مندی یارانه‌ها»، به اختصار بسیار و آن هم صرفاً از منظر زحمت‌کشان و نه از منظر عمومی، مکت کنیم:

1. واقعیت دردآوری که ده‌ها سال در جامعه‌ی ما جریان داشت، پرداخت حجم عظیمی از یارانه‌ها توسط دولت به جامعه بود. جنبه‌ی دردآور این واقعیت اولاً این است که بیشترین بخش این یارانه‌ها نصیب لایه‌های متمول و فرادست جامعه می‌شده است و ثانیاً پرداخت این همه یارانه به نسل‌های کنونی از منابعی صورت می‌گیرد که تنها به این نسل‌ها تعلق ندارند و این به معنای محروم کردن آیندگان از منابع ثروت آنان به سود نسل‌های معدودی است.

پرداخت حجم عظیمی از یارانه‌های دولتی به جامعه، دستمایه‌ای شده است تا سیاست آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی‌سازی در لفافه‌ای از ادعای کاستن از شکاف طبقاتی پیش برده شود. هدف اصلی اقتصادی «هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها» پیشبرد سیاست اقتصادی نئولیبرالی برای آزاد کردن قیمت‌ها و مکانیسم تعیین قیمت‌ها از عامل‌های سیاسی بوده است.

2. ادعا این است که "در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی، فرودستان جامعه از هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها متضرر نخواهند شد و فرادستان از سوسپید ناروا برخوردار خواهند شد. و این یعنی کاستن از شکاف طبقاتی."

حوادث کار یک‌هزار و ۷۹۶ تن بود، ۱۱ درصد افزایش یافته است. همچنین در دو ماهه‌ی ابتدایی امسال، ۲۸۵ تن بر اثر حوادث ناشی از کار جان باختند. آمار تلفات حوادث کار طی این مدت در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل هفت‌ونیم درصد بیشتر شده است. حدود نیمی از حوادث کار در بخش ساختمان‌سازی اتفاق افتاد که گویای مشکل عظیمی در این بخش است.

بنا بر تازه‌ترین آمار که مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران اعلام کرده است، طی چهار ماه اول سال جاری ۱۹۰ مورد مرگ ناشی از حوادث کار در استان تهران ثبت شده است. ۱۹۰ کشته در چهار ماه، به معنی افزایش ۴۹٫۶ درصدی نسبت به تعداد کارگران کشته‌شده حین کار در مدت مشابه در سال گذشته است. شمار کارگرانی که در کل ایران در چهار ماهه‌ی اول سال جاری جان خود را در حوادث مرتبط با کار از دست داده‌اند، ۶۵۷ تن است. این تعداد در دوره‌ی مشابه سال گذشته ۶۳۲ تن بوده است.

نگاهی به آمار حوادث کار طی یک سال گذشته، ابعاد فاجعه‌ای را که کارگران روزمره با آن دست به گریبان‌اند، آشکار می‌کند. علی‌رغم این که بارها مسئولین نظام به شمول آقای ریجعی وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی، وعده‌ی کاهش حوادث کار را داده‌اند اما در این امر توفیقی حاصل نگردیده و این وعده بر روی کاغذ مانده است.

کدام تغییرات باید صورت گیرند تا آمار قربانیان این حوادث کاهش یابد؟

- آموزش ایمنی کار منطبق با استانداردهای لازم، در چارچوب آموزش کار و حرفه قرار گیرد. این دوره جهت به روز بودن کارگران باید به صورت دوره‌ای، هر چند سال یک‌بار تکرار شود.
- سازمان‌های دولتی و غیردولتی، کنترل و بازرسی مستمر بر آموزش، کارگاه‌ها، ابزار کار و کارگران داشته باشند.
- نهادهای دولتی در تنظیم روابط کارگران و کارفرمایان بی‌طرف باشند و سیاست دفاع تمام‌قد از منافع سرمایه‌داران را کنار بگذارند.

جهت نهادینه شدن موارد بالا بسیاری از مواد قانون کار و مصوبات دولتی باید تغییر کنند.

با توجه به سیاست چند دهه‌ی گذشته‌ی هیأت حاکمه، امیدی به تحولی در این راستا نیست و می‌طلبید که زحمت‌کشان از تمامی امکانات جهت طرح خواست و وادار کردن دولت و کارفرمایان در تغییر شرایط تکنونی بهره گیرند. در گام نخست تشکل مستقل کارگران می‌تواند جهت پیگیری حقوق کارگران نقش اساسی ایفا کند.

یارانه‌ها

مرحله‌ی دوم قانون «هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها» اکنون وارد ششمین ماه اجرایی خود شده است. شکست آشکار



است و در این جا ما فقط به همین اشاره اکتفا می‌کنیم.

خواست ما مواجهه‌ی دولت روحانی با بن‌بست نیست. کشور ما در موقعیتی بس شکننده قرار دارد و مجالی برای شکست ندارد. شاید سامان این وضع، مقدم بر میزان تأمین خواسته‌های فرودستان قرار گیرد. اما مقایسه‌ی دو سیاست اقتصادی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی در ارتباط با «هدف‌مندی یارانه‌ها»، نویدی برای توفیق، حتی به معنای سامان، نیست.

📖 بولتن کارگری یک ساله شد:

۵۲ شماره از بولتن کارگری گروه کار کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تا به امروز منتشر شده است؛ بولتنی که نه در حد و انتظار ما بلکه در حد توانمان بود.

هر هفته همه‌ی رفقای کارگروه و رفقای که مسئولیت بخش تحریریه و بخش فنی بولتن (ادیت و صفحه‌آرایی) را به عهده دارند در تلاش هستند تا با جمع‌آوری اخبار، بازتولید و تکمیل گزارش‌های کارگری، همراه با تحلیل مهم‌ترین رویدادهای هفته نسبت انتشار بولتن کارگری اقدام کنند.

استقبال از این رسانه‌ی نوپا، در داخل و خارج ایران قابل توجه بوده و با همه‌ی کاستی‌هایی که در کار وجود داشته، توانسته است جای خود را در ردیف یکی از شاخصه‌های قابل توجه فعالان و علاقه‌مندان جنبش کارگری قرار دهد، هر روز که می‌گذرد، سعی در هرچه پربارتر کردن مطالب داریم و با گذشت زمان شکل و محتوای بولتن بیش از گذشته به استاندارد‌های مورد نظر نزدیک تر شده است، در مجموع، با تحلیلی کوتاه به حیات یک ساله بولتن کارگری سازمان می‌توان چنین عنوان کرد:

هر اندازه که اخبار داخلی بولتن برای ایرانیان خارج کشور تازگی داشته، بخش اخبار خارجی و متون ترجمه شده، در داخل ایران توانسته است توجه فعالان کارگری را به خود بیشتر جلب کند.

در رابطه با تحلیل هفته می‌توان گفت، این بخش از بولتن کارگری نه تنها به عنوان نگاه کارگروه کارگری سازمان نسبت به تحولات جنبش کارگری، بلکه در عمل به بخشی از سیاست حمایتی ما از جنبش کارگری داخل کشور تبدیل شده که همواره واکنش مثبت فعالان کارگری را به همراه داشته است.

ایراد این استدلال خطی این است که به "کنش‌های جبرانی" فرادستان در تعیین قیمت‌ها پس از حذف یارانه‌ها بی‌توجه می‌ماند. یارانه‌های عمومی که قطع شوند، قیمت‌ها افزایش می‌یابند. فرودستان در برابر این افزایش قیمت، چاره‌ای جز تمکین یا پیشبرد مبارزه‌ای تا پای جان ندارند. اما لایه‌هایی که سررشته‌های تولید و خدمات را در دست دارند، دست به کنش جبرانی می‌زنند؛ یعنی آن‌ها هم به «قیمت‌های‌شان» می‌افزایند و آنچه را که در اثر قطع یارانه‌های عمومی از دست داده‌اند، جبران می‌کنند.

روشن است که این روند به بار سنگین‌تری بر دوش تهی‌دستان تبدیل می‌شود. چنین است که بنا به داده‌های خود دولت، ارزش واقعی امروزین یارانه‌ی پرداختی نسبت به نخستین نوبت پرداخت آن به زحمت معادل ۴۰ درصد است. یعنی در فاصله‌ی اجرای مرحله‌ی نخست، ارزش واقعی یارانه‌ی پرداختی به مردم ۶۰ درصد سقوط کرده است.

۳. نکته‌ی دیگر این است که کاهش شکاف طبقاتی از طریق اختصاص یارانه به گروه‌های کم‌درآمد جامعه، مستلزم گرفتن مالیات‌های سنگین از فرادستان و اختصاص بخشی از این مالیات‌ها به خدمات عمومی است. اما «نظام مالیاتی» در دولت اخیر همان است که در زمان دولت احمدی‌نژاد بود: نظامی که مکانیسم خودکاری برای اخذ مالیات از دهک‌های پایینی جامعه دارد و ظرفیت بسیاری برای عقب‌نشینی در برابر کسانی که باید بیشترین مالیات را از آن‌ها بستانند. مادام که دولتی ادعای تقلیل شکاف طبقاتی را به اتکای درآمدهای نفت داشته باشد، و ابزار اصلی آن برای پیشبرد این سیاست ارز حاصل از نفت باشد، این ادعا در جوهر با ادعای "آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم" هم‌ارز است.

۴. اقتصاد ایران مدت‌هاست گرفتار پدیده‌ی «رکود تورمی» است. دولت روحانی شهامت اعلام این واقعیت اقتصاد ایران را نداشته است. اما این کافی نیست؛ زیرا رکود تورمی ارتباط محکمی با بیکاری دارد. دولت احمدی‌نژاد کلاً وجود رکود تورمی در اقتصاد ایران را انکار می‌کرد. برنامه‌های اقتصادی دولت روحانی هم پیوند این پدیده را با بیکاری نادیده می‌گیرند و از تصدیق نرخ بالای بیکاری به عنوان یکی از بنیان‌های تعریف و ماهیت رکود تورمی پرهیز می‌کنند. بی‌توجهی به مسئله‌ی بیکاری در سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی نیز از عیار بالایی برخوردار است.

۵. موضوع لزوم اصلاحات سیاسی برای پیشبرد و موفقیت اصلاحات اقتصادی در وضع امروز جامعه‌ی ایران، موضوعی است که مکرراً بر آن مکتب شده



اجتماع نمایندگان شوراهای اهالی فالکن در شهرداری میراندا برای اخذ «اعتبارنامه»

در بخش اخبار کارگری سعی بر آن است که ۹۵ درصد اخبار منتشر شده بازتولید شود (با ذکر منبع خبر) و حاصل کار ما نه صرفاً، بازگو کننده‌ی یک سری اخبار تکراری، بلکه با توجه به آنچه عنوان شد، در جهت ارتقای مبارزه و مطالبه‌ی کارگران تلاش کنیم.

سرکلیشه‌های دیگر بولتن از قبیل ادبیات کارگری، اقتصاد ملی، گزارش و یا گفت‌وگو بخش‌هایی هستند که با توجه به مسائل روز انتخاب و با رعایت حجم محدود فضای بولتن، منتشر می‌شود.

بخش فنی بولتن با همه‌ی محدودیت‌هایی که در زمینه نرم افزاری و سخت افزاری دارد، با گذشتن از تعطیلی آخر هفته‌ی خود، سعی می‌کند نشریه‌ای متناسب با انتظار شما انتشار دهد.

کلام آخر این که چشم‌انداز کارگروه کارگری، ارتقای مطالب کنونی بولتن در ابعاد تحلیلی، خبری و آموزشی است که بتواند بیش از پیش انتظار مخاطبان نشریه را تا حد ممکن برآورده سازد.

برای هر چه پربارتر شدن بولتن کارگری منتظر نقد، پیشنهاد و مطالب شما برای انتشار در بولتن کارگری هستیم.

دیگر کشورها:

جنبش‌های رادیکال در امریکای لاتین

یک منبع آموزش برای جنبش‌های اجتماعی

بخش ششم

نوشته‌ی آبهی شوکلا

ت: ظهور «قدرت مردمی» در ونزوئلا

ونزوئلا کشوری است که در آن آزمون‌های اجتماعی بزرگ‌ابعادی جریان دارند، و من شخصاً، در سفرم به این کشور، این فرصت را یافته‌ام که با برخی از این تغییرات آشنا شوم. اگرچه فضاوت در مورد این تغییرات، در حالی که هنوز در جریان‌اند، عجولانه خواهد بود، اما صرف نظر از واقعیت میارزهای که در این کشور در میان مدل‌های اجتماعی متضاد جاری است (و هنوز دفتر آن بسته نشده است)، برخی از روندهای مورد نظر، حاوی درس‌های با ارزشی‌اند. ونزوئلای امروز به هیچ‌وجه یک کشور سوسیالیستی نیست. این کشور از سوئی دارای بخش خصوصی سرمایه‌داری گسترده‌ای است و از سوی دیگر دارای یک بوروکراسی دولتی و نیز یک بخش سرمایه‌داری دولتی مهم و قدرتمند است. برای رسیدن یک جامعه به جایی که بتوان به آن جامعه‌ی «سوسیالیستی» گفت، باید مبارزات پایه‌ای بسیاری صورت گیرند و تغییرات توده‌گیری در فضای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رخ دهند. با این حال ابتکارات اجتماعی بسیاری که در ونزوئلا در پیش گرفته شده‌اند، حاوی برخی شاخص‌های جهت‌گیری ممکن به

سمت نوعی سوسیالیسم قرن بیست و یکمی‌اند. در ادامه‌ی این نوشته، من به سه تا از مهم‌ترین این روندها پرداخته‌ام.

الف) دموکراسی پیشگام و در کانون آن شوراهای

اهالی، حرکتی در راستای «آلترناتیو سیاسی»: با تصدیق محدودیت‌های جدی دموکراسی پارلمانی سنتی، کوشش‌های مهمی در ونزوئلا به عمل آمده‌اند تا مشارکت فعال مردم را در کار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف و اشکال گوناگون تأمین کنند. هدف این است که سمت‌گیری مناسبات میان دولت و جامعه چنان اصلاح شود، که پیشگامی مشروع مردم به آنان بازگردانده شود و قدرت جمعی آنان به عرصه‌ی ظهور رسد. یک شکل کلیدی دموکراسی پیشگام "شوراهای اهالی" اند، که شوراهای انتخابی مبتنی بر همسایگی‌اند و با حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ خانوار در مناطق شهری و تعداد کمتری در مناطق روستایی شکل می‌گیرند.

شوراهای اهالی بر اجرای برنامه‌های دولت در محل نظارت دارند و پروژه‌های توسعه‌ی مربوط به مناطق خود را اجرا می‌کنند. از آنجا که تصمیمات در «انجمن شهروندان» اخذ می‌شوند، شوراهای اهالی مشارکت فعال، مستقیم و زنده‌ی مردم عادی را در تصمیم‌گیری در باره‌ی مجموعه‌ی وسیعی از مسائل مربوط به خودشان میسر کرده‌اند. حدود ۳۰ درصد بودجه‌ی دولت‌های محلی به شوراهای تعلق می‌گیرد. این بودجه به مردم امکان می‌دهد که پروژه‌هایی را که خود اولی تشخیص می‌دهند، به اجرا بگذارند. شوراهای هم به اعضای‌شان امکان می‌دهند که جمعاً تصمیم بگیرند و مستقیماً فعالیت‌های مورد نظر را پیش ببرند. جالب این است که این کیفیت موجب کاهش اعتماد آنان به روش‌های نمایندگی سنتی، مثل شهرداری‌ها شده است. شوراهای اهالی بسیار متداول و محبوب‌اند. تا سال ۲۰۰۹ بیش از ۳۰ هزار شورا در سراسر ونزوئلا تشکیل شده بودند.

از زمره اشکال دیگر بسط دموکراسی، برگزاری «رفراندوم» است که در قانون اساسی جدید ونزوئلا پیش‌بینی شده است. به موجب این قانون، همین که نیم‌دوره‌ی هر دستگاه انتخابی به سر آید، اگر ۲۰ درصد رأی‌دهندگان ثبت شده



یافته‌های ما قابل درجه‌بندی از "کوچک" تا "حاد" قابل دسته‌بندی‌اند. تیم بازرسی «پیمان» اکنون به نحو فشرده‌ای در همکاری با صاحبان کارخانه‌ها، آتش‌نشانی و سازمان‌های کارگری مشغول کنترل یافته‌هاست.

دامنه‌ی این یافته‌ها از اقدامات اصلاحی مثل تقلیل بار و رعایت توافقات در این باره، آغاز و تا اقدامات پایه‌ای ایمنی کشیده می‌شود؛ اقداماتی چون نصب درهای مانع سرایت آتش، سیستم‌های اتوماتیک اعلام آتش، ایجاد خروجی‌های ایمن از تمام ساختمان‌های کارخانه، تقویت ستون‌های ساختمان‌ها، ...

بازرسی «پیمان» در مورد ۱۷ تا از ساختمان‌های بازرسی شده به این نتیجه رسیدند که استحکام ساختاری این ساختمان‌ها بسیار پایین‌تر از سطح ایمنی قابل قبول است. این یافته موجب شد که «پیمان» گزارش بازرسی‌اش را به هیأت نظارت دولت بنگلادش تسلیم کند و خواهان تخلیه‌ی این ساختمان‌ها شود.

دبیرکل اتحادیه‌ی جهانی اینداستری آل، راینا جیرکی، انجام بازرسی‌های مقدماتی را به «پیمان» تیریک گفت.

«پیمان در مورد ایمنی ساختمان‌ها و حراست در برابر آتش در بنگلادش» پس از تراژدی «رانا پلازا» در آوریل ۲۰۱۳، حاصل شد. موضوع این پیمان، که به ابتکار اینداستری آل و اتحادیه‌ی کارگری بین‌المللی حاصل آمد، کارخانه‌های نساجی در بنگلادش‌اند و توسط شرکت‌هایی که به این کارخانه‌ها سفارش می‌دهند امضا شده است. شرکت‌های امضاکننده متعهد شده‌اند که با استمرار سفارش‌های شان و در صورت لزوم بازسازی صنعت نساجی، این صنعت را در بنگلادش مورد حمایت قرار دهند.

مراکش

فراخوان اتحادیه‌های کارگری به اعتصاب برای اعتراض به «اصلاحات اقتصادی»

رویتر، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴

روز سه‌شنبه ۱۴ اکتبر، سه‌بزرگترین اتحادیه‌ی کارگری مراکش، بخش خصوصی و دولتی را به یک اعتصاب سراسری ۲۴ ساعته در ۲۹ اکتبر برای اعتراض به رفرم‌های دولت در عرصه‌های بازنشستگی، یارانه‌ها و دیگر عرصه‌های تأمینی فراخواندند.

مراکش، این پادشاهی شمال آفریقایی، تحت فشار بستانکاران بین‌المللی‌اش است که از تأمینات عمومی بکاهد و سیستم پانسون و یارانه‌هایش را اصلاح کند، تا بتواند بر دشواری‌های مالی دولت غلبه کند.

درخواست کنند، آن‌گاه می‌توان رفراندومی را برگزار کرد، که می‌تواند در صورت کسب اکثریت، منجر به عزل آن دستگاه شود.

یک مورد دیگر: **کنترل اجتماعی** خدمات و ادارات عمومی به شهروندان حق می‌دهد که حساب تمام فعالیت‌های هر اداره‌ی عمومی را از آن بخواهند و به هر فرد یا گروه اجازه می‌دهد که در این کنترل اجتماعی مشارکت داشته باشد. علاوه بر این‌ها شهروندان حق دارند انجمن‌های شهروندان را تشکیل دهند. به موجب قانون، یک‌درصد رأی‌دهندگان در یک منطقه یا شهر می‌توانند یک انجمن تشکیل دهند. تصمیمات متخذه توسط یک انجمن برای مقامات اداری سطح نظیر الزام‌آوراند.

اخبار خارجی:

بنگلادش

«پیمان بنگلادش»

بازرسی ۱۱۰۶ کارخانه را به انجام رساند

اینداستری آل، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۴



کارگران یک کارخانه‌ی نساجی در داکا، بنگلادش

کوشش برای ایجاد یک صنعت نساجی ایمن و قابل دوام، بالاخره به یک نقطه‌ی عطف دست یافت. «پیمان بنگلادش» امروز اعلام کرد که بازرسی‌های پیش‌بینی شده در این پیمان که می‌بایست از کارخانه‌های تولیدی صورت می‌گرفتند، طبق زمان‌بندی مورد توافق در پایان سپتامبر ۲۰۱۴ تماماً به انجام رسیدند.

بازرسی «پیمان» از بازرسی‌های اولیه از ۱۱۰۶ کارخانه‌ی نساجی در بنگلادش، جمعاً ۸۰ هزار مورد ایمنی را متذکر شده‌اند، که همگی باید مرتفع گردند. براد لوئون، سر‌بازرس ایمنی پیمان می‌گوید: "ما در تمام کارخانه‌ها با خطرات ایمنی روبرو شدیم. این قابل انتظار بود.



جهان

انجماد تخمک،

پیشنهاد غولهای تکنولوژی به زنان کارگر

"بی.بی.سی. ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴"



شرکت‌های "اپل" و "فیسبوک" اعلام کردند آماده‌اند برای عقب انداختن بارداری کارگران زن‌شان به آنان کمک کنند.



کازابلانکا - عکسی از تظاهرات کارگران در 6 آوریل 2014

زنانی که نزد شرکت‌های "اپل" و "فیسبوک" کار می‌کنند، از این پس یک پیشنهاد جالب اضافی نیز دریافت می‌کنند: آنها می‌توانند تخمک‌هایشان را منجمد کنند. فیسبوک از ابتدای امسال این سرویس را به کارمندان مؤنث خود در امریکا عرضه کرده است و اپل از ژانویه ۲۰۱۵ چنین خواهد کرد.

هدف از این اقدام جلب و حفظ زنان با استعدادهای عالی است. به این ترتیب آنان مجبور نخواهند شد بین مادر شدن و ارتقاء شغلی یکی را انتخاب کنند.

شرکت اپل در بیانیه‌ای اعلام کرده است: "ما با اعمال سیاست تازه‌ای که متوجه طولانی‌تر کردن مرخصی زایمان است، به بذل توجه بیشتر به زنان ادامه خواهیم داد. انجماد و ذخیره کردن تخمک بخشی از حمایت گسترده‌ی ما برای درمان ناباراری است".

هر دو شرکت آماده‌اند تا ۲۰ هزار دلار برای بیرون کشیدن تخمک‌ها و نگهداری آنها برای هر کارمند زنی که تحت پوشش بیمه‌ی آنهاست، بپردازند.

بیانیه‌ی اپل می‌افزاید: "ما می‌خواهیم کارگران زن در شرکت اپل توانمند شوند تا هم به نحو احسن کار کنند، و هم به عزیزان‌شان برسند و خانواده‌شان را ارتقاء بخشند".

* * * * *

کنترل بیشتر

رقابت بین غولهای تکنولوژی برای استخدام کارگران مستعد بسیار حاد است. این اقدام ممکن است شرکت‌های مذکور را در جلب و حفظ بهترین کاندیداها کمک کند.

«اتحادیه‌ی کارگری مراکش»، «کنفدراسیون دموکراتیک کار» و «فدراسیون دموکراتیک کار» در بیانیه‌ی مشترکی اعلام کرده‌اند که "اعتصاب ۲۴ ساعته‌ی ۲۹ اکتبر در بخش خصوصی، دولتی و کشاورزی، تنها یک هشدار است". این سه اتحادیه در سال جاری برای مقابله با سیاست‌های دولت دست به دست هم داده‌اند.

اعتصاب طراحی شده در نظر دارد که برای ممانعت از اجرای اصلاحات بیشتر، از جمله در سیستم پرهزینه‌ی بازنشستگی، دولت را تحت فشار قرار دهد. قرار این است که اصلاح در این سیستم در بودجه‌گذاری سال ۲۰۱۵ منظور گردد. برای واکنش سریع در این باره کسی از مقامات دولتی پیدا نشد.

اتحادیه‌ها اقدام دولت را به خاطر قطع برخی سوبسیدها و قصد رفورم در سیستم بازنشستگی به بی‌توجهی به استانداردهای زندگی در مراکش متهم می‌کنند. آنها این رفورم‌ها را ضربه‌ای به داروندار کارگران می‌دانند.

دولت مراکش در سال ۲۰۱۱ با افزایش قابل توجه دستمزدها و یارانه‌ها کوشید تا آرامی‌هایی را که در برای دموکراسی و در الهام از «بهار عربی» سر برآوردند، مهار کند. این حرکات در کشورهای دیگری، از جمله در تونس و لیبی، دو کشور همسایه‌ی مراکش، به سرنگونی اتوکراسی‌های حاکم انجامیدند.

اما از سال ۲۰۱۳ به این سو، دولت اسلام‌گرای مراکش با تقلیل یارانه‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و حقوق کارمندان دولتی، کوشیده است بر کسری بودجه‌اش غالب آید. با این حال این دولت نیز در آوریل سال جاری موافقت کرد که حداقل دستمزد را در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ ده درصد افزایش دهد.

* * * * *



این کارگر که نخواست نامش فاش شود اضافه کرد: با وجود آنکه کارگران مذکور بیمه هستند اما هیچ‌یک از آنها دارای قرارداد کاری نیستند و با وجود اعتصاب در محل کار، تاکنون هیچ مسئولی با آنها صحبت نکرده و به اعتراضات آنها رسیدگی نشده است.

وی خاطر نشان کرد این کارگران ۲۳ روز در ماه کار می‌کنند و در مقابل آن ۷ روز استراحت دارند و کارفرما متعهد است ماهانه دو و نیم روز مرخصی در اختیار آنها بگذارد اما تاکنون هیچ مرخصی به آنها داده نشده است.

کارگر فاز ۱۷ و ۱۸ عسلویه افزود کارگران پیش از این نیز مطالبات خود را از طریق اداره‌ی کار پیگیری کرده‌اند اما به دلیل آنچه نفوذ و اعمال نظر کارفرما در روند رسیدگی به این شکایات می‌خوانند، اینک اعتراض خود را با روش دیگری پی گرفته‌اند.

* * * * *

این شرکت‌ها برای ایجاد تنوع بیشتر در میان کارگران‌شان، که در حال حاضر تحت سیطره‌ی مردان است، نیز تحت فشاراند.

جنیفر تان، رییس قسمت بازاریابی شرکت "گلاو"، که برای حفظ سلامت بارآوری زنان خدماتی را به آنان عرضه می‌کند، از این اقدام استقبال کرده است. او می‌گوید: "انجماد تخمک امکان کنترل بیشتری را به زنان می‌بخشد".

"در ۳۰ سالگی دیگر به این نکته واقف بودم که ساعت بیولوژیک من بی‌وقفه دارد کار می‌کند، اما انتخابی پیش رویم نبود. این اقدام قابل تقدیری است".

اما نظر مفسران دیگر این است که شرکت‌ها، به عوض این اقدام باید حمایت بیشتری از کارگران «تازه‌والد» به عمل آورند و نسبت به آنان منعطف‌تر باشند.

کارگران ایران:

راهپیمایی و تجمع کارگران ذوب آهن اردبیل مقابل استانداری



روز ۲۲ مهر، ده‌ها کارگر کارخانه‌ی ذوب آهن اردبیل به نشانه‌ی اعتراض به بلاتکلیفی معوقات هشت ماهه‌ی خود، از مقابل دفتر امام جمعه‌ی اردبیل به سمت در اصلی استانداری، راهپیمایی کرده و در آنجا تجمع کردند.

یکی از کارگران عنوان کرد: معوقات حقوق پرداختی ۳۰۰ کارگر وارد هشتمین ماه خود شده، علاوه بر این‌که عیدی و پاداش وعده داده شده‌ی قبلی نیز پرداخت نشده است.

این کارگر افزود: با پیشنهاد کارخانه‌ی ذوب آهن از مردادماه سال جاری ترکی کار کردیم که در اداره‌ی کار استان با عنوان ترکی کار از کارگران شکایت شده است!

* * * * *

کارگران اعتصابی عسلویه یک هفته مهلت دادند



۳۵۰ کارگر اعتصابی فاز ۱۷ و ۱۸ عسلویه که در اعتراض به عدم دریافت سه ماه حقوق دست از کار کشیده بودند تنها تا روز یکشنبه‌ی هفته آینده (۲۷ مهر) به مسئولان پروژه فرصت دادند تا نسبت به پرداخت حقوق آنها اقدام کنند.

صبح (سه شنبه ۲۲ مهر) حدود ۳۵۰ تن از کارگران فاز ۱۷ و ۱۸ عسلویه در اعتراض به عدم دریافت حقوق‌های معوقه‌ی خود از تیرماه ۹۳ تا کنون، دست از کار کشیده و در محل کار خود تحصن کردند.

یکی از کارگران معترض به ایلنا گفت: ۳۵۰ تن از کارگران فاز ۱۷ و ۱۸ عسلویه طی سه ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند و در اعتراض به این امر صبح امروز از ساعت ۶ صبح دست از کار کشیده‌اند و در محل کار خود تحصن کرده‌اند.



📖 اخبار حوادث:

تعطیلی کارخانهی فرآوری زرشک شرق

مرگ یک کارگر ساختمانی در شهرستان لامرد



به گزارش خبرنگار ایلنا، روز گذشته (۲۲ مهر)، یک کارگر ساختمانی به نام هادی شیرافکن هنگام سیمان‌کاری دیواره‌ی راه‌پله در ساختمانی واقع در شهرستان لامرد در استان فارس، به دلیل رعایت نشدن اصول ایمنی تعادلش را از دست داد و از ارتفاع شش متری بر روی راه‌پله‌های ورودی ساختمان سقوط کرد.

* * * * *

مرگ یک کارگر برق‌کار در سقز

کارگر یک واحد تولیدی در شهرستان سقز استان کردستان، به علت برق گرفتگی جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه صبح (۲۲ مهر) زمانی رخ داد که این کارگر ۳۲ ساله‌ی شاغل در یک واحد تولیدی (که نامش گزارش نشده است)، در حال شست‌وشوی دستگاه «پیکسل» بوده است.

* * * * *

مرگ کارگر ساختمانی در شرق تهران.

به گزارش ایلنا، (۱۹ مهر)، یک کارگر ساختمانی به نام «باقی -ع» هنگام گچ کاری دیواره آسانسور در ساختمانی واقع در شرق تهران به دلیل رعایت نشدن اصول ایمنی تعادلش را از دست داد و از طبقه ششم به ته چاله آسانسور سقوط کرد.

بر اساس این گزارش، جسد این کارگر ۲۷ ساله که در چاهک آسانسور افتاده بود توسط گروه‌های امداد و نجات به بیرون انتقال پیدا کرد.

* * * * *



خبرگزاری «مهر» طی گزارشی به تاریخ ۲۲ مهر، از تعطیلی کارخانهی فرآوری زرشک شرق و احتمال اخراج و بیکاری کارگرانش، خبر داد.

نوروزی مدیرعامل کارخانهی فرآوری زرشک قاین اظهار کرد: تاکنون تعدیل نیروی انسانی در این کارخانه نداشته‌ایم ولی اگر شرایط به همین روال ادامه داشته باشد این اقدام انجام می‌شود.

تعطیلی تنها کارخانهی فرآوری زرشک در قطب تولید زرشک کشور باعث انباشته شدن محصول زرشک کشاورزان و چپاول کردن این محصول به دست دلالان شده است.

📖 اخبار کوتاه:

کارگران کارخانهی «قویتی ایران» دستمزد خود را با دو ماه تاخیر دریافت می‌کنند.

* * * * *

نمایندهی کارگران کارخانهی «رنگین نخ» سمنان از تعویق چهار ماه حقوق ۴۳ نفر از کارگران رسمی این کارخانه به دلیل کمبود منابع مالی خبر داد.

* * * * *

محمد باقری عضو کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور از تشکیل جلسه‌ی قریب‌الوقوع این تشکل صنفی برای تصمیم‌گیری در خصوص شیوه‌ی اعتراض به مصوبه‌ی اخیر مجلس در خصوص بیمه‌ی کارگران ساختمانی خبر داد.

* * * * *

۳۰۰ کارگر شاغل در کارخانهی «آبگینه» در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق، از امروز خوردن غذا در کارخانه را تحریم کردند.



عضو هیأت مدیره یکانون عالی شوراهای اسلامی کار:

مرگ ۳۹ کارگر در قم طی سال ۹۲

محروم شدن بخش عمده‌ی کارگران از سبد کالایی دولت



با توجه به جزئیات اعلام شده توسط دولت، تضمینی وجود ندارد که همه‌ی کارگران بتوانند از دریافت سبدکالایی بهره‌مند شوند و عملاً بسیاری از آنها از دریافت این سبد غذایی محروم خواهند شد.

آمار حوادث ناشی از کار در کارگاه‌های استان قم از سال ۸۳ تاکنون رو به افزایش است.

مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان قم با بیان این‌که این استان پس از استان بوشهر در رتبه‌ی دوم حوادث ناشی از کار در کشور قرار دارد، گفت: در سال ۹۲، ۹۸۲ حادثه در سطح استان رخ داده که منجر به فوت ۳۹ تن از کارگران شده است.

علی‌خداپی عضو هیأت مدیره‌ی کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با بیان این‌که کارگرانی که کمتر از ۶۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند مشمول قانون کار نیستند و امکان شناسایی آنها وجود ندارد؛ به ایلنا گفت: این‌که دولت رقم ۶۰۰ هزار تومان را ملاک تقسیم گروه‌های درآمدی قرار داده است دارای ایرادات و ابهامات زیادی است.

کشته شدن دو تن در کارخانه‌ی نکا چوب

به گزارش ایلنا،

عصر (۱۷ مهر) کارگر شاغل در کارخانه‌ی «نکاچوب» در استان مازندران حین انجام تعمیراتی در سیستم فاضلاب این کارخانه، بر اثر استنشاق گازهای سمی جان باخت.

بر اساس این گزارش، این کارگر که محمد یوسف تبار نام دارد با ۱۰ سال سابقه‌ی کار در امور مربوط به سیستم تخلیه‌ی فاضلاب در شرکت نکا چوب اشتغال داشت و زمانی که در کنار چاه سه متری فاضلاب صنعتی کارخانه برای سرویس‌دهی ایستاده بود، بر اثر استنشاق گاز سمی بی‌هوش شد و به داخل چاه سقوط کرد.

بنا بر این گزارش، فرد دیگری به نام جلیل نادری نیز (از همسایه‌ها) که برای کمک به این کارگر مصدوم وارد چاه پساب کارخانه شده بود، بر اثر استنشاق گازهای موجود در چاه جان خود را از دست داد.

گفتنی است بر اساس ابلاغیه‌ای که به امضای اسحاق جهانگیری، معاون رئیس‌جمهور رسیده، قرار بود دو گروه درآمدی ماهیانه پایین‌تر از ۶۰۰ هزار تومان و بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون تومان تعیین شوند و به نوبت و با اولویت درآمدهای پایین‌تر سبد کالایی در اختیار آنها قرار گیرد. این در حالی است که حداقل حقوق سال ۹۳ برای کارگران ۶۰۹ هزار تومان تعیین شده است.

خدایی با یادآوری میزان حداقل حقوق تصریح کرد: این‌که دولت رقم ۶۰۰ هزار تومان را به عنوان مرز دو گروه درآمدی تعیین کرده است نشان می‌دهد کسانی که مشمول قانون کار نیستند و حقوق‌شان کمتر از حداقل دستمزد است در اولویت دریافت سبدکالایی قرار دارند، در حالی که عملاً امکان شناسایی کارگران غیرمشمول قانون کار وجود ندارد.

وی اضافه کرد: همچنین کارگرانی که دارای حداقل حقوق مصوب هستند درآمدهای اضافه‌ی حق بن و سایر مزایا به ۸۰۰ و ۹۰۰ هزار تومان می‌رسد و در اولویت دریافت سبد غذایی



قرار نمی‌گیرند و هیچ تضمینی هم وجود ندارد که پس از شناسایی و دریافت سبد کالا توسط گروه اول، گروه درآمدی دوم نیز بتواند از این سبد بهره‌مند شوند.

این فعال کارگری با انتقاد از تصمیم دولت در تعیین رقم ۶۰۰ هزار تومان برای دریافت سبد کالایی، خاطر نشان کرد: این امر حکایت از آن دارد که دولت حقوق‌های زیر ۶۰۰ هزار تومان در ماه را به رسمیت می‌شناسد و به عبارت دیگر اصل متن این ابلاغیه با چالش جدی روبروست.

خدایی در خاتمه با اشاره به تجربه‌های دیگر مثل توزیع سهام عدالت خاطر نشان کرد: در نهایت اقشار وسیعی از کارگران قادر نخواهند بود از این گونه مزایا استفاده کنند.

وی افزود: در دور اول توزیع سهام عدالت حتی بسیاری از مدیرکل‌ها نیز از آن بهره‌مند شدند اما کارگران از آن محروم ماندند.

* * * * *

به گزارش خبرنگار ایلنا، نویسندگان این بیانیه با اشاره به تورم و گرانی کمرشکن کالاهای ضروری خانواده‌های کارگری، هزینه‌های بالای آموزش و درمان و افزایش بی‌رویهی اجاره مسکن گفته‌اند وضعیت نابسامان اقتصادی حاکم بر جامعه، سفره‌ی کارگران را لاغرتر از گذشته کرده است.

کارگران خباز سنندج در ادامه با انتقاد از پایین‌تر بودن دستمزدهای‌شان از حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار، دست‌کم در دو سال گذشته، گفته‌اند تمامی مراجعات حضوری و مکاتبات رسمی نمایندگان قانونی کارگران نانوا جهت پیگیری مطالبات و خواسته‌های برحق و قانونی آنها، نه تنها به افزایش دستمزد شاغلان در این صنف منجر نشده بلکه بعضاً با نادیده گرفتن جایگاه قانونی نمایندگان و بی‌حرمتی به آنان همراه بوده است.

آن‌طور که در این بیانیه گفته شده است، اتحادیه‌ی کارفرمایان خباز به جای آن‌که به فکر حل مسئله باشند، صورت مسئله را پاک کرده و اقدام به مکانیزه کردن کارگاه‌های خبازی کرده است.

به اعتقاد نویسندگان این بیانیه، این اقدام کارفرمایان در شرایطی به بیکاری گسترده‌ی کارگران خباز سنندجی منجر می‌شود که به دلیل رعایت نشدن حداقل‌های قانونی مربوط به محاسبه‌ی مزد کارگران خباز، خانواده‌های این کارگران هم‌اکنون یکی از دشوارترین دوران حیات خود را از لحاظ اقتصادی و معیشتی سپری می‌کنند.

کارگران خباز سنندج در این بیانیه با هشدار نسبت به بیکاری هزاران کارگر نانوی این شهرستان در آینده‌ی نزدیک، خواستار افزایش دستمزدهای‌شان بر اساس قانون و پایان پروژه‌ی مکانیزه کردن کارگاه‌های خبازی شهرستان سنندج شده‌اند.

شکست انتخابات شورای اسلامی کار در شرکت اتوبوسرانی

در انتخابات شورای اسلامی شرکت واحد ۶۶۵ تن شرکت کردند که از بین ۱۶ نفری که برای نمایندگی کارگران نامزد شده بودند حتی یک تن از آنها نتوانست یک سوم آرای مأخوذه را کسب کند. لازم به ذکر است نفر اول در این انتخابات نیز ۲۱۵ رأی کسب کرده که فاقد حدنصاب است.

انتخابات شورای اسلامی کار در شرکت واحد اتوبوسرانی به دلیل حد نصاب نرسیدن آرای نمایندگان کارگران به مرحله‌ی دوم رسید.

بنا بر این گزارش، دور دوم انتخابات حدود دو هفته دیگر برگزار خواهد شد.

اطلاعیه‌ها:

کارگران نانوی سنندج با امضای طوماری هشدار دادند:

هزاران کارگر نانوی سنندج بیکار می‌شوند

کارگران نانوی سنندج برای چندمین بار با صدور بیانیه‌ای انتقادی به افزایش نیافتن دستمزدهای‌شان از ابتدای سال ۹۱ و خطر بیکاری هزاران کارگر این شهرستان اعتراض کردند.



مهمی داشت. پروین اعتصامی از پایه‌گذاران سبک شعر مناظره‌ای است و در زمان حیاتش مجموعه‌ای از شعرهایش در قالب‌هایی مانند مناظره، مثنوی، قطعه و قصیده در قالب دیوان اشعار به چاپ رساند. او مدتی نیز در کتابخانه‌ی دانشسرای عالی، به شغل کتابداری مشغول بود و بعد از آن قبل از دومین نوبت چاپ دیوان اشعارش، بر اثر بیماری حصبه درگذشت و در حرم فاطمه معصومه به خاک سپرده شد.

به پاس زحمات فراوان پروین اعتصامی در زمینه‌ی شعر معاصر ایران و سبک شعر مناظره‌ای، روز بیست و پنجم اسفندماه (۱۶ مارس)، روز بزرگداشت پروین اعتصامی شاعر ایرانی نامگذاری شده است.

نویسندگان این بیانیه در پایان ضمن حمایت از اعتراضات کارگران پیمانی قطار شهری اهواز، کارگران معدن سنگرود، کارگران شهرداری زابل، کارگران پتروشیمی کارون، کارگران معدن بافق، کارگران شهرداری سقز و مریوان، کارگران پتروشیمی رازی و ایلام، کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران کاشی گیلانا، از مسئولان دولتی خواسته‌اند که به خواسته‌های آن‌ها رسیدگی کنند.

گفتنی است شمار زیادی از کارگران ناوای سنندج، شنبه‌ی این هفته (۱۹ مهر) به قصد بررسی افزایش نیافتن دستمزدهای‌شان (از ابتدای سال ۹۱ تا کنون) و شیب صعودی بیکاری کارگران ناوا، در دفتر نهاد کارگری این صنف تشکیل جلسه داده بودند.

ای رنجبر

تا به کی جان کندن اندر آفتاب ای رنجبر

ریختن از بهر نان از چهر آب ای رنجبر

زین همه خواری که بینی ز آفتاب و خاک و باد

چیست مزدت جز نکوهش یا عتاب ای رنجبر

از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی

چند می‌ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر

جمله آنان را که چون زالو مکنندت خون بریز

وندران خون دست و پای کن خضاب ای رنجبر

دیو آز و خودپرستی را بگیر و حبس کن

تا شود چهر حقیقت بی‌حجاب ای رنجبر

حاکم شرعی که بهر رشوه فتوی می‌دهد

کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر

آن‌که خود را پاک می‌داند ز هر آلودگی

می‌کند مردارخواری چون غراب ای رنجبر

گر که اطفال تو بی‌شامند شب‌ها باک نیست

خواجه تیهو می‌کند هر شب کباب ای رنجبر

گر چراغت را نبخشیده‌است گردون روشنی

ادبیات کارگری:

پروین اعتصامی و کارگران

از ویکی‌پدیا، دانشنامه‌ی آزاد



رخشنده‌ی اعتصامی متخلص به پروین اعتصامی (زاده‌ی ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز - درگذشته ۱۵ فروردین ۱۳۳۰ در تهران) شاعر زن ایرانی است که از او با عنوان «مشهورترین شاعر زن ایران» یاد می‌شود. پروین از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی سرودن شعر را آغاز کرد. پدر وی یوسف اعتصامی، از شاعران و مترجمان معاصر ایرانی بود که در شکل‌گیری زندگی هنری پروین و گرایش وی به سرودن شعر نقش



غم مخور، می‌تابد امشب ماهتاب ای رنجبر

در خور دانش امیرانند و فرزندانشان

تو چه خواهی فهم کردن از کتاب ای رنجبر

مردم آنانند کز حکم و سیاست آگه‌اند

کارگر کارش غم است و اضطراب ای رنجبر

هر که پوشد جامه‌ی نیکو بزرگ و لایق اوست

رو تو صدها وصله داری بر ثیاب ای رنجبر

جامه‌ات شوخ است و رویت تیره رنگ از گرد و خاک

از تو می‌بایست کردن اجتناب ای رنجبر

هر چه بنویسند حکام اندرین محضر رواست

کس نخواهد خواستن زیشان حساب ای رنجبر



از دیگر عواملی است که چند نفر از اقتصاددانان به آن اشاره می‌کنند و تنها تعدادی از آنان کنترل تورم را ناشی از سیاست‌های اقتصادی دولت می‌دانند؛ سیاست‌های انقباضی و انضباط پولی دولت. در این میان بانک جهانی هم به‌تازگی گزارشی منتشر کرده که در آن عواملی مانند افزایش ارزش پول، کاهش قیمت‌های جهانی کالاهای اساسی و کاهش تحریم‌های بین‌المللی را مهم‌ترین دلایل کاهش نرخ تورم برشمرده است.

عباس شاکری: یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش نرخ تورم، کاهش نرخ رشد قیمت‌هاست. دلیل آن هم اطمینان و ثبات نسبی‌ای است که در ماه‌های اخیر در اقتصاد ایران حاکم شده است. مردم نوعی اطمینان به فضای سیاسی و اقتصادی جامعه پیدا کرده‌اند و این موضوع در تثبیت قیمت‌ها و کنترل نوسانات قبل موثر بوده است. عامل دیگر کنترل قیمت تولیدکننده است. در فاز اول هدف‌مندی یارانه‌ها قیمت‌ها به شدت افزایش یافت اما در فاز بعدی قیمت تولیدکننده ثابت شد و مانند فاز اول، افزایش قیمت‌ها جهشی نبود. یکی دیگر از عواملی که در کنترل نرخ تورم تا حدودی تاثیر داشته انضباط پولی دولت است.

بایزید مردوخی: دلیل اصلی کاهش تورم، کمبود تقاضاست که معادل آن رکود است. با وجود این‌که تورم در ایران به مرز ۴۰ درصد رسید، اما درآمد افراد و به‌خصوص طبقه متوسط افزایشی هم‌پای تورم نداشت. این موضوع عاملی شد تا بخش عمده‌ای از مردم توانایی و قدرت خرید خود را از دست بدهند. در نتیجه‌ی این کاهش قدرت خرید، تقاضا برای محصولات و خدمات مختلف کاهش یافت. عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات هم دریافته‌اند که جامعه بیش از این تاب افزایش قیمت‌ها را ندارد. پس در این شرایط یا قیمت‌ها اندکی کاهش یافت یا این‌که ثابت ماند و روند صعودی قیمت‌ها متوقف شد. این یکی از مهم‌ترین علل کاهش تورم در ماه‌های اخیر است.

اقتصاد ملی:

کاهش نرخ تورم از نگاه ۲۵ اقتصاددان و کارشناس

کاهش تقاضا و افت قدرت خرید مردم

شرق:

روحانی می‌گوید روزی که زمام امور دولت را به‌دست گرفت، تورم نقطه‌به‌نقطه به ۴۴ درصد رسیده بود و هم‌اکنون این عدد تا ۱۴ درصد کاهش یافته است. میانگین تورم ۱۲ ماهه نیز در این دوره تا نزدیکی‌های ۴۰ درصد هم پیش‌روی کرده بود اما حالا به ۲۰/۶ درصد رسیده است.

علت اصلی کاهش تورم موضوعی است که ۱۲۵ اقتصاددان و کارشناس اقتصادی به آن پاسخ داده‌اند. اگرچه دولت کاهش نرخ تورم را به نام خود تمام کرده است، اما اکثر اقتصاددانان و کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» علل اصلی کاهش تورم را کاهش تقاضا و افت قدرت خرید مردم می‌دانند.

آنان معتقدند کاهش انتظارات تورمی و رکود حاکم بر جامعه، مهم‌ترین عامل کنترل نرخ تورم بوده است.

مذاکرات هسته‌ای و امید به نتیجه‌بخش بودن آن هم



اقتصاد ایران کاهش یابد. تا پیش از این روند تحریم‌ها به‌نحوی بود که مردم در فضای اقتصاد احساس ثبات نداشتند و مدام درصد بودند تا داشته‌های خود را به دلار و طلا تبدیل کنند و جامعه در حالت انتظار تورمی بود. با پیشرفت در پرونده‌ی هسته‌ای مردم احساس کردند دولت در سیاست داخلی هم درصد در پیش‌گرفتن انضباط مالی است که در دولت قبل خبری از آن نبود.

علی دینی ترکمانی: علت اصلی کاهش نرخ رشد تورم برمی‌گردد به اتفاقاتی که در عرصه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری افتاد. با آمدن آقای روحانی این انتظار ایجاد شد که تنش‌ها چه در سطح بین‌الملل چه در داخل رفع خواهد شد، بنابراین در پی این اتفاق انتظارات تورمی کاهش یافت. نقدینگی‌ای که در بازار ارز و طلا بود خارج و قیمت ارز و طلا تثبیت شد. این جریان نهایتاً به تثبیت سایر قیمت‌ها کمک کرد. به این ترتیب می‌توان گفت کاهش نرخ رشد تورم در پی کاهش انتظارات تورمی از محل امیدهایی که در عرصه سیاسی به‌وجود آمده بود و باعث تثبیت نرخ ارز شد؛ اتفاق افتاد.

احمد میرمطهری: قدرت خرید خانوار تقلیل یافته است. همین امر سبب شده که خانوارها در سید معیشتی خود تغییراتی را ایجاد کنند. این به معنای آن است که تقاضای خانوارها در مورد برخی از کالاها به‌شدت کاهش یافته و تقاضایی برای این دسته از کالاها وجود ندارد. در نتیجه‌ی این امر، روند افزایشی قیمت در برخی از کالاها دیده نمی‌شود. این موضوع منجر به کاهش تقریبی نرخ تورم شده است. وگرنه شرایط اقتصادی از نظر قیمت کالاهای گوناگون هم‌چنان صعودی است. بر این اساس کاهش قدرت خرید خانوارها و تقلیل توانایی آن‌ها در تأمین کالاهای گوناگون منجر به کاهش نرخ تورم شده است.

محمدقلی یوسفی: کاهش تورم باید در یک مقطع بلندمدت رخ دهد و کاهش آن در یک‌دوره‌ی کوتاه یا به‌صورت مقطعی نمی‌تواند دست‌آورد مهمی تلقی شود. اما مهم‌ترین علت کاهش تورم در ماه‌های اخیر کاهش انتظارات تورمی در میان مردم است. با این انتظار که روابط ایران و غرب سبب می‌شود قیمت دلار کاهش یابد و تحریم‌ها برداشته شود. علاوه بر این، شرایط رکودی حاکم بر کشور سبب شده که تقاضا برای وام و اعتبارات کاهش یابد و تزریق پول کمتر شود. تزریق کمتر پول هم در کاهش نرخ تورم موثر بوده است. این دو را می‌توان دو عامل اصلی در کاهش فعلی نرخ تورم دانست.

محمود جامساز: یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش تورم در دولت درپیش‌گرفتن انضباط پولی و مالی است. در دولت یازدهم بر اساس آمارهای اعلام شده از طریق انضباط پولی و مالی در بودجه، کسری بودجه به شدت کاهش یافته است.

حسین عبده تبریزی: تنها اقدام موثری که دولت توانسته برای کنترل نرخ تورم و کاهش روند صعودی نرخ تورم انجام دهد، اقدامی است که در حوزه‌ی جریان‌ات پولی در کشور انجام داده است. دولت توانسته در چند ماه گذشته اقداماتی را در حوزه‌ی پول پرقدرت انجام دهد. اقدام موثر دولت این است که توانسته بانک مرکزی را کنترل کند تا پول بیشتری خلق نشود؛ پولی که باعث افزایش نقدینگی در جامعه شده و افزایش نقدینگی هم به افزایش نرخ تورم دامن می‌زند. تنها اقدام دولت برای کاهش تورم این بود که با کنترل بانک مرکزی اجازه نداد پولی وارد اقتصاد شود.

زهرا کریمی: دو عامل در کاهش نرخ تورم موثر بوده است؛ یکی انتظارات عمومی برای کاهش قیمت‌ها و دیگری کاهش قدرت خرید مردم. در یک جمله می‌توان گفت رکود، تورم را کنترل کرده است نه دولت. انتظار کاهش قیمت‌ها در میان مردم سبب شده که افراد برای خرید نیازهای خود دست نگه دارند و منتظر کاهش قیمت‌ها باشند. هجوم به بازارهای سکه و طلا و ارز هم کاهش یافته است. از طرف دیگر در مورد کالاهای اساسی و ضروری هم چون قدرت خرید مردم کاهش یافته، قیمت‌ها ثابت مانده و تغییر چندانی نکرده است. بر این اساس تداوم وضعیت انتظار و رکود جامعه، تورم را کنترل کرده است.

حمشید پژویان: در سال ۹۱ اقتصاد ایران با شوک‌های متعددی مواجه شد؛ افزایش سه برابری قیمت ارز، کاهش ارزش پول ملی به یک‌سوم و کاهش شدید فروش نفت چند شوکی است که سبب شد قیمت‌ها ناگهان افزایش یابد. با وجود این شوک‌های متعدد تورم ۳۰ تا ۴۰ درصد امری طبیعی بود. از سال ۹۲، شوک جدیدی به اقتصاد وارد نشد و فروش نفت هم کاهش نیافت. در نتیجه چون اقتصاد روند طبیعی خود را طی کرد، تورم هم تا حدودی کاهش یافت. در این میان می‌توان گفت کنترل تورم نه دست‌آورد دولت، که ناشی از طی شدن روال معمول اقتصاد بوده است.

مهدی تقوی: مهم‌ترین عامل کاهش تورم، روند مثبت و روبه جلوی مذاکرات هسته‌ای است. تیم مذاکره‌کننده توانست تحریم‌ها را کاهش دهد. در نتیجه‌ی این امر، دلارهای صادراتی و دلارهای ناشی از فروش نفت توانست وارد کشور شود و قیمت دلار هم کاهش یافت. با کاهش قیمت دلار، تورم هم کاهش یافت. از طرفی در این دوره انتظارات تورمی هم در جامعه کنترل شد و به‌دلیل مثبت‌شدن فضای سیاسی، فضای اقتصاد هم تا حدودی رنگ ثبات و آرامش گرفت. این آرامش هم مرهون مذاکرات هسته‌ای است که مردم به نتیجه‌بخشی آن امید بسته‌اند.

مهدی پازوکی: کاهش انتظارات تورمی مهم‌ترین علت کنترل تورم در ماه‌های اخیر است که این موضوع هم ناشی از سیاست خارجی دولت یازدهم است. امید به حل‌شدن پرونده هسته‌ای ایران سبب شده که عدم اطمینان در



شده است.

اما این اقدامات کافی نیست. تورم باعث تولید رانت می‌شود و به نظر نمی‌رسد کنترل تورم و ممانعت از افسارگسیختگی چندان به مذاق برخی خوشایند باشد. بحث‌هایی در سطح مقامات بالای بانکداری برای اختصاص منابع و اعتبارات به بخش مولد شده اما محقق نشده و این همان فشاری است که مانع ادامه‌ی این روند می‌شود. در غیراین‌صورت دولت ما هم باید بتواند مانند برزیل عمل کند؛ نمونه‌ای که در عرض دو سال تورم ۵۰۰ درصد را به پنج‌درصد رساند.

حجت میرزایی: در ایجاد تورم دو گروه عرضه و تقاضا اثرگذار است. در گروه تقاضا دو عامل رشد نقدینگی و انتظارات تورمی منجر به ایجاد تورم شده و در گروه عرضه نیز کاهش تولید و کمبود عرضه ایجادکننده تورم خواهد بود. در یک‌سال اخیر در گروه عرضه تغییرات بسیار اندک بوده است. در گروه تقاضا نیز رشد نقدینگی همانند قبل روند صعودی خود را داشته است بنابراین عاملی که می‌توان به‌عنوان علت اصلی کاهش نرخ رشد تورم نام برد، کاهش انتظارات تورمی است. چون عامل اصلی کاهش انتظارات تورمی بوده، هر اتفاق یا خبری می‌تواند نرخ‌های بزرگ گذشته را تکرار کند.

کامران ندری: ریشه‌ی اصلی تورم در بلندمدت نرخ رشد حجم پول یا همان نقدینگی است. یعنی رشد تورم با میزان رشد نقدینگی در کشور گره خورده است. اما این عاملی نیست که در کوتاه‌مدت تغییراتش بر تورم نمایان شود و هر نوع تغییری در نقدینگی در بلندمدت تورم را متاثر خواهد کرد. پس آنچه در کوتاه‌مدت توانست بر نرخ رشد تورم اثرگذار باشد شرایطی بود که بر بازار حاکم شد. در واقع انتظارات تورمی کاهش یافت. لنگر انتظارات تورمی هم نرخ ارز و طلا بود. با ثبات یافتن این دو بازار، تقاضا برای ارز و طلا کم شد و با کاهش انتظارات تورمی، نرخ رشد تورم نیز کاهش یافت.

هادی حق‌شناس: خرداد سال ۹۲ انتظاراتی در افکار عمومی ایجاد شد مبنی بر این‌که دیگر شاهد افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نخواهیم بود و سیاست‌هایی اتخاذ خواهد شد که تورم را کنترل می‌کند.

در کنار انتظارات روانی ایجادشده؛ مذاکرات هسته‌ای نیز به‌ویژه در صدر روز نخست با امضای توافق‌نامه و پایان تحریم‌های جدید توانست بر انتظارات تورمی نقش‌آفرینی کند. از سوی دیگر شروع به کار دولت یازدهم همراه بود با انضباط پولی که با اصلاح بودجه‌ی ۹۲ اتفاق افتاد و انجام فعالیت‌ها در بخش نفت و گاز هم در کنار کاهش تنش‌های سیاسی در سطح بین‌الملل بر نزولی‌شدن نرخ رشد تورم اثر گذاشت.

سعید لیلان: رشد نرخ تورم پی‌آمد بی‌انضباطی پولی دولت است. وقتی هزینه‌ها از درآمد جلو می‌زند یا باید اسکناس چاپ شود و یا دلارها تبدیل به ریال و وارد بازار شود که در هر دو صورت پایه‌ی پولی افزایش یافته و تورم ایجاد می‌شود. در یک‌سال اخیر مهم‌ترین عامل در کنترل تورم، انضباط مالی

در نتیجه دولت نیاز کم‌تری به استقراض از بانک مرکزی داشته است. ثابت‌ماندن پایه پولی هم منجر به افزایش نقدینگی در جامعه نشده است. بر اساس آمار اعلامی، پایه‌ی پولی کاهش یافته و به ۱۱۰ هزارمیلیارد تومان رسیده و ضریب فزاینده‌ی پول هم از ۱۲/۴ به ۸/۵ درصد رسیده است. بدهی دولت به بانک‌ها و بدهی آن‌ها به بانک مرکزی هم پرداخت شده است.

بهمن آرمان: در مورد صحت و سقم آمار و اطلاعاتی که در مورد کاهش و کنترل نرخ تورم عنوان می‌شود، نمی‌توان اظهارنظر کرد و من چندان معتقد نیستم که این فرآیند نزولی رخ داده باشد. اما واقعیت این است که اقتصاد ایران از یک تونل تاریک هشت‌ساله که آسیب‌های بسیار زیادی به آن وارد کرد، خارج شده است و می‌توان نشانه‌هایی از خروج از رکود را در اقتصاد دید. یکی از این نشانه‌ها، روی کار آمدن دولتی است که مانند دولت سازندگی اعتقاد به فرآیند توسعه‌ی اقتصادی دارد. اما نکته‌ی قابل‌توجه این است که حتی اگر نرخ تورم کاهش یافته باشد، این به تنهایی دست‌آوردی مطلوب برای دولت محسوب نمی‌شود و باید مجموعه‌ی عوامل اقتصادی بهبود یابد.

پویا جبل‌عاملی: نرخ رشد تورم در یک‌سال گذشته با کاهش مواجه بوده است. به عقیده‌ی من علت اصلی کاهش رشد نرخ تورم هم پایین‌آمدن تورم انتظاری است. از طرف دیگر سیاست‌های بانک مرکزی و انضباط نسبی پولی هم بی‌اثر نبوده است. ولی کاهش نرخ رشد تورم به این معنا نیست که بانک مرکزی توانسته است سیاست‌های انقباضی را که در شرایط کنونی کشور موثر باشد، اجرا کند. دولت نتوانسته رشد نقدینگی را کاهش دهد و از این به بعد کاهش تورم نقطه‌به‌نقطه بسیار سخت خواهد بود. بر این اساس رسیدن به تورم تک‌رقمی بسیار بعید به نظر می‌رسد.

هادی زوز: با نگاه به آمارهای بانک مرکزی درمی‌یابیم که در یک‌سال اخیر رشد نقدینگی کم و بیش بالا بوده و دولت توفیقی در کنترل نقدینگی نداشته است؛ پس علت اصلی کاهش نرخ رشد تورم را می‌توان این‌گونه برشمرد؛ نخست این‌که در یک‌سال گذشته سرعت گردش پول کم شده که خود این موضوع از تعدیل‌شدن انتظارات تورمی ناشی می‌شود. در عین حال رکود تورمی از قدرت خرید مردم کاسته و تقاضای مردم کم شده است. از سوی دیگر تقاضای دولت نیز در این یک‌سال کاسته شده است. همچنین با تثبیت نرخ ارز، فشارهای ناشی از کنترل ارزش پول ناچیز بوده است.

کمال اطهاری: دولت توانسته مانع افسارگسیختگی اقتصاد ایران شود و همین خود عاملی است برای کاهش نرخ تورم. پیش از این حجم بسیار زیادی از منابع و اعتبارات به بخش مسکن می‌رفت و اکنون جلوی این وضعیت گرفته



می‌شود. همچنین اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی نسبتاً مناسب هم عامل دوم در کنترل تورم محسوب می‌شود. علاوه بر آن حمایت از تولید و تقویت طرف عرضه به‌ویژه در بخش نفت و صادرات آن توانست بر افزایش نرخ رشد اقتصادی موثر واقع شود و بتواند بر کنترل تورم البته در کنار فضای مثبت در روابط بین‌الملل اثرگذار باشد.

شاهین شایان آرانی: عزم و برنامه‌ی دولت جدید اصلی‌ترین عامل کاهش نرخ رشد تورم بود؛ عزمی که در دولت قبل وجود نداشت و اساساً تورم به‌عنوان یک عامل مخرب دیده نمی‌شد. ابزاری که دولت یازدهم برای مهار تورم استفاده کرد نیز در درجه‌ی نخست ایجاد انضباط پولی و مالی بود. در حوزه‌ی برنامه و بودجه، مدیریت نقدینگی و کنترل نقدینگی به‌عنوان محور اصلی استراتژی دولت، نسبتاً موفق عمل شد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا این روند کاهش‌ی ادامه‌دار خواهد بود یا خیر؟ به نظر می‌رسد با روش‌های در پیش‌گرفته دولت در سال آینده نیز کاهش بیشتر نرخ رشد تورم را شاهد باشیم.

محمد مروج حسینی: کاهش نرخ رشد تورم در پی رکود بسیار شدید پدید آمد. اعداد و ارقام اعلامی نشان می‌دهد تعداد افرادی که در ابتدای سال ۹۲ مشغول کار بوده‌اند از تعداد افراد شاغل در ابتدای سال ۹۳، یک میلیون نفر بیشتر بوده است. بنابراین نشانه‌ها از یک رکود عمیق که عرضه را کاهش داده و در مقابل منجر به کاهش تقاضا نیز شده، خبر می‌دهد. این افت عرضه و تقاضا ناخودآگاه به دلیل کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان، بر کاهش نرخ رشد تورم اثر داشته است. در حال حاضر موجودی انبارها حکایت از کاهش خریدهای مردم دارد. حال یا به دلیل بیکاری یا تطابق نداشتن درآمد با هزینه‌ها.

دولت بود. نرخ رشد نقدینگی در طول ماه‌های مختلف یک‌سال گذشته از ۳۰ درصد به حدود ۲۰ درصد رسیده که این امر تحت سیاست‌های پولی دولت اتفاق افتاده است. در این سال کاهش کسری بودجه‌ی دولت، افزایش درآمدهای سالم و افزایش رشد اقتصادی کشور موجب شد نرخ رشد تورم کنترل شود.

محمد قاسمی: کاهش نرخ رشد تورم عمدتاً نشأت‌گرفته از سه اتفاق می‌تواند باشد؛ نخست تخلیه‌ی آثار افزایش قیمت‌های قبل به‌ویژه در زمینه‌ی شوک ارزی، بر کاهش نرخ رشد تورم اثر گذاشت. دوم این‌که در اثر افزایش قیمت‌های سال ۹۰ و ۹۱، قدرت خرید مردم کاهش یافت و کم‌شدن طرف تقاضا بر نرخ تورم موثر واقع شد و در وهله‌ی سوم اقداماتی که دولت در بحث انضباط پولی انجام داد، توانست تورم را متاثر کند؛ از جمله‌ی این اقدامات، کنترل نقدینگی بود که در بخش مسکن مهر ایجاد و مسبب رشد پایه‌ی پولی کشور شد. اما این‌که کدامیک از این سه عامل اثر بیشتری در مهار تورم داشته نیازمند مطالعات وسیع‌تری است.

فرشاد مومنی: عوامل اصلی عبارتند از مسئله‌ی انتظارات عقلایی بهبودیافته در اثر اهتمام جدی دولت بر تنش‌زدایی و مهار رویه‌های بحران‌ساز دولت قبلی؛ افزایش اعتماد مردم به مدیریت جدید و خروج تدریجی و اندک بخش‌هایی از تقاضاهای سوداگران به‌ویژه از بازار ارز، مسکن، سکه؛ روند نزولی قیمت دلار و تخلیه‌ی محدود حساب‌های ناشی از شوک‌های اقتصادی و غیراقتصادی در سال‌های ۹۰ و ۹۱. نکته‌ی کلیدی این است که کنترل پایه‌ی پولی در بهترین حالت از پاییز ۹۲ شروع شده و علی‌الاصول باید از زمستان ۹۲ بر تورم تاثیر بگذارد حال آنکه روند نزولی تورم از تیر ۹۲ اتفاق افتاد.

حسین راغفر: اصلی‌ترین عامل کاهش نرخ تورم پایان دولت دهم بود، چراکه موجب ایجاد خوش‌بینی در بین افراد مختلف جامعه از جمله فعالان اقتصادی شد. این خوش‌بینی تغییر انتظارات از آینده را به دنبال آورد. به سیاست‌های خارجی نیز به‌عنوان دومین عامل می‌توان اشاره کرد؛ تلاش دولت برای تغییر رویکرد و بازسازی روابط از عوامل مؤثر بود و در وهله‌ی سوم تغییر سیاست‌های فرهنگی و داخلی تأثیرات مثبتی بر گروه‌های مرجع در جامعه گذاشت. در کنار همه‌ی این عوامل ادامه‌ی رکود به دلیل کاهش در تقاضای مصرف‌کنندگان و کاهش در طرف عرضه هم بر افت رشد تورم تاثیر داشته است.

علی قنبری: انتخاب آقای روحانی به‌عنوان رییس‌جمهور و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و امید به آینده و ثبات در اقتصاد و عدم تداوم سیاست‌های اشتباه گذشته که عمدتاً افزایش نقدینگی و سیاست‌های نامطمئن را در پی داشت، به‌عنوان نخستین گام در کاهش نرخ رشد تورم قلمداد

**کوبانی سنگر آزادی،
عدالت و انسانیت
است
با همه توان به حمایت
از کوبانی برخیزیم**